

نقد حقوقی عملکرد بانک مرکزی نسبت به ماجرای بانک پارسیان

اکبر پیروفر

کارگردانان و مسوولان بانک و خدمتگزاران وارد و صدیق نظام بانکی کشور خواهند بود. کسانی هم که با ابتکار عمل خود چنین محیطی را ایجاد کرده‌اند، درخور تقدیر می‌باشند.

کتمان نباید کرد که با ورود بانک‌های خصوصی به نظام بانکی کشور، بانک‌های دولتی نیز به تحرک و فعالیت خود در ارایه روش‌های نوین افزودند و اشتیاق و سعی و کوشش این بانک‌ها را به ارایه خدمات بهتر و بیشتر به مشتریان خود نمی‌توان ندیده گرفت، منتها ساختار بانک‌های دولتی به گونه‌ای است که مانع سرعت عمل و تصمیم‌گیری سریع می‌شود. این بانک‌ها هنوز با لایحه قانونی مصوب سال ۱۳۵۸ و با اساسنامه‌های مصوب اوایل دهه ۶۰ و با قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ که در ابتدا ناظر به بانک‌های دولتی بود، فعالیت می‌کنند.

در حال، تا زمان تشکیل بانک‌های خصوصی، تنها بانک‌های دولتی بودند که نیاز جامعه را در امور و مسایل و خدمات بانکی برآورده می‌کردند، اما زمان فرق کرده است. همانطور که قبلاً اشاره شد، در سال ۱۳۷۹ پایه تشکیل بانک غیردولتی (خصوصی) گذاشته شد و جامعه به نسبت افزایش تعداد بانک‌های خصوصی، در حال حرکت روبه‌جلو است. ایران طی سالیان گذشته، وجود بانک‌های دولتی و غیردولتی را با هم و در کنار یکدیگر تجربه کرده است، ولی کارشناسان مسایل پولی و مالی و بانکی، دخالت و تصدی‌گری دولت در این رشته را به مصلحت جامعه نمی‌دانند و معتقدند که دولت باید تنها به اعمال حاکمیت بپردازد. بنابراین، شایسته است که محیط برای رشد و نمو بانک‌های خصوصی آماده و مستعد باشد. در عین حال که براساس قانون‌های مصوب، می‌توان از دانش و تجربه افراد استفاده نمود و خود این امر هم یکی از راه‌های اشتغال جوانان کشورمان می‌تواند باشد.

فعالیت بانک‌های خصوصی مصادف بود با پیشرفت و ارایه راه‌های جدید در ارایه خدمات بانکی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته روز، و این بانک‌ها به دور از مقررات و ضوابط پیچیده و دست‌وپاگیر سازمان‌های دولتی، گام‌های سریعتری را در مسیر دگرگون‌کردن نظام بانکی کشور و ارایه خدمات پیشرفته به مشتریان خود، برداشتند. به عنوان مثال، وقتی که مشتری بانک با ورود به سالن شعبه، مواجه شد با این که اول شماره نوبت بگیرد و بعد در صندلی بنشیند تا این که برای انجام کارش به باجه مربوط دعوت شود و فقط یک نفر متصدی باجه جوابگو باشد و کار وی را انجام دهد، بی‌اختیار در این فکر فرورفت که این روش که عملی بوده، چرا تا به حال اجرا نمی‌شده است؟ محتوای این روش، محترم‌شمردن مشتری بانک و ارزش قابل‌شدن برای وقت اوست. وقتی که مشتری وارد شعبه بانک می‌شود و شماره نوبت می‌گیرد و

■ ■ ■
بانک مرکزی بنا بر وظیفه قانونی خود، می‌تواند با بانک‌های متخلف برخورد کند، اما اگر از این امر استفاده تبلیغاتی و یا سیاسی شود، به ضرر نظام بانکی، به خصوص بانک‌های خصوصی خواهد بود.
■ ■ ■

می‌نشیند تا نوبتش برسد، یعنی سرپا مقابل باجه و در صف نمی‌ایستد. به علاوه، برای انجام کار خودش معمولاً با یک نفر که پشت باجه نشسته است، طرف می‌باشد و وقت مشتری هم بیخود تلف نمی‌شود. در واقع، قشر جوانی که هم‌اکنون پشت باجه‌های بانک‌های نوظهور نشسته‌اند و جوابگوی مشتریان می‌باشند، باعث شده‌اند که هر باجه به یک بانک تبدیل شود. بدیهی است که همین افراد در آینده

خوانندگان محترمی که از تاریخچه بانکداری در ایران مطلع هستند، می‌دانند که بعد از برپید شدن بانک‌های خارجی در کشور، ابتدا بانک‌های دولتی و سپس بانک‌های غیردولتی و به بیان دیگر، بانک‌های خصوصی، به تدریج در ایران تاسیس شدند و به فعالیت پرداختند. آنگاه در سال ۱۳۵۸ بانک‌های خصوصی ملی شدند و براساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بانکداری در بخش دولتی قرار گرفت. تا این که به موجب ماده ۹۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۹، اجازه تاسیس بانک توسط بخش غیردولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی هم داده شد و براساس بند "ج" ماده ۹۸ همین قانون، سه شرط برای افراد حقیقی یا حقوقی که قصد تاسیس بانک غیردولتی و فعالیت در این رشته را دارند، تعیین شد:

- ۱- داشتن تجربه و دانش لازم در این کار.
- ۲- داشتن توان تامین سرمایه لازم و انجام کار.
- ۳- نداشتن هرگونه سوءپیشینه، اعم از مالی و اخلاقی.

متعاقباً در همان سال، قانون اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی مشتمل بر ماده واحده و بندهای "الف"، "ب" و "ج" به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و سه شرط مذکور در بند "ج" ماده ۹۸، در این قانون هم تکرار شد. در نتیجه، به تدریج شش بانک خصوصی پا به عرصه وجود گذاشتند که عبارتند از: بانک اقتصاد نوین، بانک پارسیان، بانک کارآفرین، بانک سامان، بانک پاسارگاد و بانک سرمایه. بدیهی است که ورود این بانک‌ها به نظام بانکی ایران، سیما و چهره بانکداری را تغییر داد و هریک از بانک‌های مزبور به سهم خود و به میزان فعالیت و ابتکار عمل، در این تغییرات نقش ایفا کردند. شروع



استفاده تبلیغاتی و سیاسی از نحوه برخورد با بانک‌ها، به دلیل از بین بردن اعتماد مردم به سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در بانک‌های خصوصی، نه تنها به ضرر نظام بانکی کشور است، بلکه امنیت سرمایه‌گذاری در بانک‌ها را از بین می‌برد... برخورد با مدیران متخلف پس از اثبات خلاف، قابل پیگیری و تصمیم‌گیری است... ایجاد تشنج در بخش خصوصی، به سرمایه‌گذاری در این بخش لطمه وارد می‌کند و کسی حاضر به سرمایه‌گذاری در میدان خصوصی نخواهد بود.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۴۸ مورخ ۸۵/۷/۱۸)

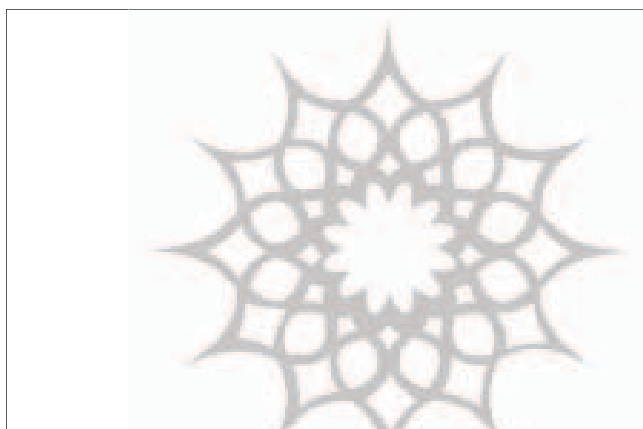
یک عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی نیز گفت: «بانک‌های خصوصی در حال حاضر، با مشکلات عمده‌ای مواجه شده‌اند، به نحوی که توسط سیستم دولتی و بانک مرکزی کنترل می‌شوند و این علاوه بر اداره بانک‌های دولتی توسط دولت می‌باشد.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۵۰ مورخ ۸۵/۷/۲۰)

دکتر مرتضی الله‌داد سپس اقدام اخیر بانک مرکزی در برکناری مدیرعامل بانک پارسیان را از منظر اقتصادی نادرست تلقی کرد و اظهار داشت: «با توجه به ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری و خصوصی‌سازی چهار بانک اصلی کشور، چنین تصمیمی در برکناری مدیرعامل بانک پارسیان می‌تواند در گسترش بانکداری خصوصی خدشه وارد کند.» وی در ادامه با ذکر این نکته که بخش خصوصی تمایلی به دخالت‌های اینچنینی دولت در سیستم بازار خود ندارد، خاطرنشان کرد: «حتی در صورت بروز خطا، این تخلف باید از طریق دستگاه قضایی مورد رسیدگی قرار گیرد... بهتر بود دولت به جای برخوردهایی چون عزل و غیره در بانک‌های خصوصی، به رقابت با این موسسات می‌انديشید... اگر قرار باشد به این شکل عمل کنیم، در بلندمدت اقتصاد کشور متضرر خواهد شد.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۵۰ مورخ ۸۵/۷/۲۰)

یک استاد دانشگاه شهید چمران هم با اشاره به برکناری مدیرعامل بانک پارسیان از سوی بانک مرکزی، هشدار داد که اقدامات و اتخاذ تصمیمات متأثر

همیشه وجود دارد... البته درخصوص بانک پارسیان و موسسه اعتباری توسعه از یک سال پیش تخلفاتی صورت گرفته بود که پس از طی مراحل نظارتی و عدم توجه به اخطار و تذکرات داده‌شده، بانک مرکزی اعضای هیات‌مدیره را مطابق قانون برکنار نمود و خود مدیران صاحب‌صلاحیت را در آن موسسه مستقر کرد. در مورد بانک پارسیان هم به هیات‌مدیره این بانک ابلاغ کرد که مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره دیگری مطابق قانون تجارت برگزینند که این کار هم انجام شده است.»

این مقام درخصوص سهام بانک پارسیان نیز افزود: «طبق قانون، یک بانک نمی‌تواند بیش از ۲۰ درصد از کل سرمایه را به یک شخص حقیقی یا حقوقی اعتبار دهد، به‌خاطر این که اولاً، ریسک بانک بالا می‌رود و ممکن است سرمایه بانک برنگردد و دوم



② این دو نفر در کدام مرجع از خود دفاع کرده‌اند؟

این که، عامه مردم در شکل گسترده آن نمی‌توانند از بانک وام بگیرند و این موضوعی است که دولت بر روی آن تأکید دارد. به همین خاطر، و با توجه به اخطارهایی که داده شد، بانک یادشده موارد موردنظر را اصلاح نکرد و بانک مرکزی وارد عمل شد.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۴۶ مورخ ۸۵/۷/۱۶)

واقعه‌ای که در مورد بانک پارسیان اتفاق افتاد، موجب اظهارنظرهایی به شرح زیر شد:

مدیرعامل بانک سامان در این مورد گفت: «بانک مرکزی بنا بر وظیفه قانونی خود می‌تواند با بانک‌هایی که تخلف کرده‌اند، برخورد کند، اما اگر از این امر استفاده تبلیغاتی و یا سیاسی شود، به ضرر نظام بانکی، به‌خصوص بانک‌های خصوصی خواهد بود.

از لحاظ ارایه خدمات نوین نیز بانک‌های خصوصی امکانات و موقعیت‌های بهتری دارند. در گذشته هم همینطور بود. به عنوان مثال، بانک صادرات ایران مبتکر حساب‌های مشترک در ایران بود. نویسنده هم با مأموریت تفویض‌شده از سوی بانک ملی ایران، با مذاکره با مسوول امور حقوقی بانک صادرات در کانون سابق بانک‌ها (آقای دکتر قاسم رفوگران) این روش را به بانک ملی ایران، یعنی به مهمترین و معتبرترین بانک کشور منتقل نمود. در عین حال، بانک صادرات ایران، بزرگترین بانک خصوصی کشور بود و در حال حاضر هم وضعیت و موقعیت قابل توجهی دارد. این مجله هم داستان جالبی را در شماره مورخ شهریور ۱۳۸۵ به نقل قول از آقای اسدالله امیراصلانی، مدیرعامل سابق بانک ملی ایران نقل کرده که عیناً درج می‌شود: «... در هر صورت،

در حال‌وهوای انقلابی سال قبل از انقلاب، بانک صادرات ایران به علت بهایی‌بودن یکی از سهامداران عمده‌اش^(۱)، با مشکل مواجه شد و مردم مقادیر معتدلی از سپرده‌های خود را از این بانک خارج کردند و بانک هم برای تصفیه حساب چک‌های بین‌بانکی، دارای نقدینگی نبود. بنابراین، به مدیرکل بانک ملی گزارش دادند که رقیب در تله افتاده. اما او برخلاف انتظار دستور داد که بانک صادرات را حمایت کنید. او جمله زیبایی را به عنوان دلیل ذکر کرده است: وجود این رقیب بود که بانک ملی

توانست به این حداز رشد برسد. پس نباید نابود شود.» منظور از ذکر این واقعه، روشن‌نمودن این حقیقت است که در حال حاضر هم بانک‌های خصوصی پیشرو ارایه خدمات نوین بانکی هستند و می‌بایست مورد حمایت قرار گیرند.

اما اخیراً جامعه ایرانی، به‌خصوص کسانی که عملکرد بانک‌های کشور، خصوصاً بانک‌های خصوصی را زیرنظر دارند، با خبر بهت‌آوری مواجه شدند: «بانک مرکزی اعلام کرد: مدیرعامل بانک پارسیان به دلیل عدم رعایت مقررات، سلب‌صلاحیت شد.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۴۵ مورخ ۸۵/۷/۱۵)

سپس برطبق اظهارات ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «نظارت بانک مرکزی

از فضای تنش آلود سیاسی کشور، آثار مخربی به همراه خواهد داشت. وی سپس شأن نظارتی بانک مرکزی را غیرقابل انکار خواند و افزود: «اقدام اخیر بانک مرکزی اگر در چارچوب روابط و متأثر از فضای تنش آلود سیاسی نبود، می‌توانست به شکل مطلوبتری صورت گیرد تا تبعات احتمالی را به حداقل برساند... اقدامات نسنجیده سیاسی و غیرعلمی، باعث از بین رفتن امید و حاکم شدن نگرش منفی در بخش خصوصی خواهد شد... بسیاری از این اقدامات در مخالفت با تصمیمات دولت پیشین است. این امر نیز نگرش بلندمدت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و حتی غیرداخلی را با تردید مواجه خواهد کرد.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۵۰ مورخ ۸۵/۷/۲۰).

دکتر غلامرضا سلامی، رییس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران نیز در رابطه با نحوه برخورد دولت با بخش خصوصی گفت: «در آستانه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در شروع برنامه چهارم، به عنوان پیشواز تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، باید در نوع برخورد با بخش‌های خصوصی بسیار دقت شود، زیرا با اقتصاد دولتی، اهداف چشم‌انداز محقق نمی‌شود... نحوه برخورد دولت با بخش خصوصی نظیر بانک خصوصی پاریس، در شرایطی حادث شد که در یک زمان در حین باطل شدن معامله، مدیرعامل این بانک تغییر کرد و مورد حمله شدید بالاترین مقام اجرایی کشور قرار گرفت.»

وی سپس با بیان این که یک فرد نمی‌تواند به عنوان مثال، هزار میلیارد تومان از بانک خصوصی وام دریافت کرده باشد، تصریح کرد: «ممکن است مجموعه‌ای از شرکت‌هایی که افراد سهامدار آن بودند، در کل ۳۰ یا ۴۰ شرکت، هر کدام با ۱۰ درصد سهام ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان از این بانک وام دریافت کنند که البته بدون کار کارشناسی در هیات انتظامی و یا دادگاه قضایی این مساله بیان شد و ضربه مهلکی به بخش خصوصی وارد آورد، به طوری که بخش خصوصی از این پس شهامت شرکت در حدود ۳۰۰ میلیارد تومان را ندارد.» وی افزود: «طبق مقررات، در محکمه قضایی باید نسبت به صحت خلاف مدیر یک بخش خصوصی رسیدگی شود. بانک مرکزی به منظور صیانت از حقوق سپرده‌های مردم، در مواقع ضروری می‌تواند در امور و مدیریت بانک‌ها بر حسب قانون دخالت کند، ولی از ابتدا باید تخلف صورت‌گرفته از سوی یک مدیر، بررسی و کارشناسی شود و در جایی

مدیر بتواند از خود دفاع کند و در صورتی که تخلف وی روشن شود، باید مدیر تغییر کند، اما در قضیه بانک پاریس، همزمانی ابطال خرید سهام این بخش خصوصی با برکناری مدیرعامل، کمی سوال‌برانگیز می‌شود که این برخورد از جنبه کار کارشناسی به دور بوده است... بانک مرکزی باید به تخلفات کلیه بانک‌های دولتی رسیدگی کند...» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۵۳ مورخ ۸۵/۷/۲۵).

به نظر دکتر عباس هشی، حسابرس معتمد بورس اوراق بهادار: «خرید و فروش سهام بین فروشنده و خریدار بوده و هیات‌مدیره هیچ نقشی در این زمینه نداشته است. هیات‌مدیره شرکت‌ها از سوی مجمع انتخاب می‌شوند. این که گفته می‌شود یک عده بدون پول سهم معامله کرده‌اند، هیات‌مدیره متخلف است و بانک مرکزی نیز در این زمینه اقدام کرده. این مسایل از هم جداست. در اجرا یکسری ضوابط و مقررات اجرایی نشده که پیامدهایی را به دنبال داشته است. نباید مساله را با عزل هیات‌مدیره بانک و ابطال معامله ختم کنیم. بازار سرمایه زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی است. بنابراین، نظارت بر وجود انضباط مالی، مسوولیت وزیر است.» (روزنامه اطلاعات / اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۵۵ مورخ ۸۵/۷/۲۷).

اقدام اخیر بانک مرکزی اگر در چارچوب روابط و متأثر از فضای تنش آلود سیاسی نبود، می‌توانست به شکل مطلوبتری صورت گیرد تا تبعات احتمالی را به حداقل برساند.

در اطلاعیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مورد ماجرای بانک پاریس هم آمده است: «پرونده مربوط به بانک پاریس از مدت‌ها پیش در بخش نظارتی بانک مرکزی مطرح و باز بوده است و مسوولان یادشده به بانک مرکزی احضار و مورد تذکر قرار گرفته بودند و موضوعات اعلام‌شده در رسانه‌ها ارتباطی با دیگر مسایل ندارند. نویسندگان مطالب اخیر بهتر می‌دانند که آنچه بانک مرکزی انجام می‌دهد، براساس قانون است و به هیچوجه مسایل غیرحرفه‌ای و غیربانکی در تصمیمات آن تأثیری ندارد. در این روزها شاهد بودیم که بعضی از نویسندگان و مدعیان اقتصادی، در برخی سایت‌های معلوم‌الحال، پیرامون این موضوع مطالب نوشته و

الفاظ غیراخلاقی به‌کاربرده‌اند که بدیهی است مسوولیت آن را به عهده خواهند داشت. صلاحیت مدیران برکنار شده قبلاً هم به حالت تعلیق درآمده بود. ظاهراً منفعت عده‌ای اقتضا می‌کند که علیرغم مدارک موجود و مستندات غیرقابل انکار، چنین بپندارند که آنچه آنها می‌گویند، راست است و خلاف آن دروغ... برکناری یک یا دو عضو متخلف از قانون در نظام بانکی، به معنای حرکت کردن به سوی استحکام هرچه بیشتر نظام پولی و بانکی کشور است نه تضعیف بانک‌های خصوصی و سرمایه‌گذاری که برخی سعی دارند اینگونه وانمود کنند.» (روزنامه اطلاعات / شماره ۲۳۷۵۱ مورخ ۸۵/۷/۲۲).

اما درباره این اطلاعیه سه نکته قابل تذکار است: ۱- وقتی که بانک مرکزی کار خود را براساس قانون می‌داند، حق این بود که قانون یا قوانین مورد استناد را مشخص و معین می‌کردند تا مأخذ عملکرد بانک مرکزی معلوم گردد، زیرا آن کشوری از جامعه که دستی به قوانین دارند، اعلامند بوده و هستند که مأخذ قانونی موضوع را بدانند.

۲- تشخیص تخلف از قانون، در صلاحیت مرجع قضایی است و روش رسیدگی به تخلف از مقررات بانکی هم در قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۴۳ قانون مذکور، بانک‌ها و موسسات اعتباری که نسبت‌های مقرر در بندهای ۲ و ۳ و ۵ و ۶ ماده ۱۴ را رعایت نکنند، به تشخیص شورای پول و اعتبار، مکلف به پرداخت مبلغی معادل ۱۲ درصد در سال نسبت به مبلغ موردتخلف خواهند بود. برطبق ماده ۴۴ هم تخلف از سایر مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های آن و دستورات بانک مرکزی که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های آن صادر می‌شود، موجب مجازات‌های انتظامی خواهد بود که این مجازات‌ها ذیل بندهای ۱ و ۲ و ۳ درج گردیده است. مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع این ماده و صدور حکم به مجازات‌های انتظامی نیز هیات انتظامی بانک‌ها می‌باشد که مرکب است از نماینده دادستان کل کشور و یک نفر از اعضای شورای پول و اعتبار به انتخاب شورا و یک نفر از اعضای شورای عالی بانک‌ها، با انتخاب شورای عالی بانک‌ها. دبیرکل بانک مرکزی هم سمت دادستان هیات را خواهد داشت. احکام هیات انتظامی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظر در شورای پول و اعتبار بوده و رأی شورا قطعی است.

علاوه بر این، اعلام نشده است که به تخلفات دو عضو رده بالای بانک پارسیان در کدام مرجع رسیدگی و تشخیص داده شده است؟ این دو نفر در کدام مرجع از خود دفاع کرده‌اند؟ آیا درست است که اداره نظارت بر بانک‌ها در بانک مرکزی، هم مدعی باشد و هم رای‌دهنده و هم تصمیم‌گیرنده؟!

همچنین در اطلاعیه مذکور آمده است: «ظاهراً منفعت عده‌ای اقتضا می‌کند که علیرغم مدارک موجود و مستندات غیرقابل‌انکار، چنین بیندازند که آنچه آنها می‌گویند، راست است و خلاف آن دروغ». آیا نویسنده این اطلاعیه نمی‌داند که آنها چه کسانی هستند؟ آیا بهتر نبود مدارک و مستندات غیرقابل‌انکار جهت آگاهی افکار عمومی ارایه می‌شد تا از هیجان موضوع کاسته شود؟

درباره وجهه حقوقی "برکنارشدن دوعضومتخلف" (عبارتی که در اطلاعیه آمده است) نیز نکاتی به نظر نویسنده رسیده است که ذیلاً مطرح می‌شود.

۱) دفاع از اصول و موازین

در ابتدای این بخش، تذکر این نکته ضروری است که با عنایت به اعلاماتی که وجود دارد، عملکرد آقایان در بانک پارسیان و به بیان دیگر، مجموعه بانک پارسیان، شاخص و روشن می‌باشد و بدیهی است که دیگر قضیه دفاع شخصی محلی از اعراب ندارد، بلکه منظور، حفظ حرمت مسوول یا مسوولان بانک و حمایت از بانک‌های خصوصی و دفاع از اصول و موازین ناظر به سیستم بانکی کشور است. پس انتظار دارد که متصدیان محترم در بانک مرکزی این نوشته را فقط یک موضوع حقوقی و در حد یک نظریه و استنباط شخصی نویسنده تلقی کنند.

۲) سلب صلاحیت

در تبصره ۱ ماده ۲۵ اساسنامه بانک پارسیان آمده است: «صلاحیت تخصصی و التزام نامزدهای عضویت در هیات‌مدیره، مدیرعامل و قائم‌مقام وی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، باید قبلاً توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد تایید قرار گیرد». در این تبصره دو نکته وجود دارد: یکی، صلاحیت تخصصی؛ و دیگری، التزام به نظام. تبصره ۲ هم مقرر داشته است که دارابودن حداقل مدرک کارشناسی برای مدیرعامل و قائم‌مقام و اعضای هیات‌مدیره الزامی است. یک نفر از اعضای

کشور، رتبه هشتم را کسب کرده است. تحلیل این نشریه براساس عملکرد بانک در سال منتهی به پایان ۱۳۸۳ ارایه شده و در این زمان، تنها سه سال از آغاز فعالیت این بانک سپری شده بوده است. ضمناً بانک مذکور در زمینه نسبت‌داری به سرمایه، رتبه چهارم و به لحاظ کارایی هم رتبه دوم را کسب کرده است. (روزنامه اطلاعات مورخ ۸۵/۶/۱۳).

* با وجود فشارهای دولت آمریکا برای محدودکردن فعالیت بانک‌های ایرانی، به‌ویژه در اروپا، گروه مالی پارسیان موفق شد موافقت مقامات نظارتی و بانکی انگلستان را برای تملک بانک ترکیه‌ای "سابانجی" به‌دست آورد. "سابانجی" شعبه اک‌بانک ترکیه در انگلیس می‌باشد و از سال ۱۹۸۳ در پایتخت انگلیس فعالیت خود را شروع کرده است. ارزش مجموع داری این بانک در سال گذشته میلادی، مبلغ ۷۳ میلیارد دلار اعلام شده است. (روزنامه اطلاعات/اطلاعات بورس / شماره ۲۳۷۴۹ مورخ ۸۵/۷/۱۹).

بازار سرمایه زیر نظر وزارت امور اقتصادی و

داری است. بنابراین، نظارت بر وجود

انضباط مالی، مسوولیت وزیر است.

* بانک پارسیان هم‌اکنون دارای ۱۱۵ شعبه می‌باشد.

* سرمایه این بانک دربدو تاسیس در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی ۳۱۰ میلیارد ریال بود و طی سه فقره افزایش سرمایه، در سال ۱۳۸۴ به پنج‌هزار میلیارد ریال افزایش یافت و در پذیرهنویسی‌های مربوط به افزایش سرمایه هم با استقبال کم‌نظیری مواجه شد.

* بانک پارسیان در چند سال گذشته، توانسته است ۷۰ درصد سپرده‌های مردم نزد بانک‌های خصوصی را جذب کند. این بانک از نظر سرمایه در میان بانک‌های دولتی و خصوصی، پس از بانک ملی، در جایگاه دوم قرار دارد و براساس شاخص‌های عملکرد نظام بانکی در میان بانک‌های داخلی، چهارم و در میان بانک‌های بین‌المللی، در رتبه ۸۰۰ قرار دارد.

بدین ترتیب، اطلاعیه بانک مرکزی قهرآمیز به‌نظر می‌رسد و لحن اطلاعیه هم در شأن بانک مرکزی یک کشور نمی‌باشد. بانک مرکزی در راستای اجرای قانون پولی و بانکی و سایر مقررات، راهنما و مددکار بانک‌های مختلف - اعزام دولتی و غیردولتی - می‌باشد و درواقع، هدایت‌کننده است نه تهدیدکننده.

ماده ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور نیز بانک‌ها را مکلف کرده است که مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورهای بانک مرکزی را که به‌موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های متکی بر آن صادر می‌شود، و همچنین مقررات اساسنامه مصوب خود را رعایت کنند. حال با عنایت به قانون ذکرشده، هرگاه تخلف بانک پارسیان از قانون پولی و بانکی و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورات بانک مرکزی - که آن هم می‌بایست به موجب قانون مذکور یا آیین‌نامه‌های متکی بر آن صادر شده باشد - بوده است، می‌بایست به حکم قانون، موضوع در هیات انتظامی بانک‌ها رسیدگی می‌شد و هرگاه خارج از آنها بوده، اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی تنها می‌توانست گزارش نظارتی خود را ارایه نماید و صلاحیت رسیدگی به چنین تخلفاتی را نداشته است. ضمناً مواد مربوط به رسیدگی به تخلفات بانک‌ها هم نسخ نشده و به قوت و اعتبار خود باقی است.

۳- در اطلاعیه بانک مرکزی از مدیرعامل و رئیس هیات‌مدیره بانک با کلمات "متخلف" و "برکنارشده" یاد شده است که اولاً، برخلاف نزاکت اداری است؛ ثانیاً، این بانک در کارنامه خود که این دو نفر از مسوولان و مدیران سرشناس و فعالان آن بودند، این نکات را دارد:

* بانک پارسیان در طول چهار سال فعالیت، قریب ۶۳ درصد بازار بانک‌های خصوصی را داشته و به بزرگترین بانک خصوصی کشور تبدیل شده است. * در سال ۱۳۸۴ یک میلیون و دویست‌هزار سپرده‌گذار و ۸۱۶۴۹ نفر سهامدار داشته که یک بنگاه اقتصادی عام به معنای واقعی است.

* در سال ۱۳۸۳ معادل ۱۳۴/۹ میلیارد ریال مالیات را پنج روز پس از برگزاری مجمع به دولت پرداخته و مؤدی مالیاتی نمونه شناخته شده است. به همین ترتیب، مالیات سال ۱۳۸۴ به مبلغ ۲۵۳ میلیارد ریال نیز ظرف یکی دو روز پس از تصویب صورت‌های مالی توسط مجمع عمومی، پرداخت گردیده است.

* بانک و گروه‌های وابسته حدود ۳۰۰۰ فرصت شغلی ایجاد کرده‌اند و از این تعداد کارکنان، قریب ۷۵ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

* براساس گزارش مندرج در نشریه بانکر، که توسط موسسه فاینشال تایمز منتشر شده، بانک پارسیان در میان بانک‌های دولتی و غیردولتی داخل

شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ -
عضو هیات‌مدیره (رییس هیات‌مدیره - قائم‌مقام)
بانک پارسیان از ۱۳۸۰ تا آبان ۱۳۸۵.

با توجه به مراتب گفته‌شده، صلاحیت علمی و
تجربی (تخصصی) مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره به
تایید بانک مرکزی رسیده بود. نیاز به گفتن ندارد که
تخصص در رشته‌ای، معمولاً پس از طی مدارج
تحصیلی و تجربه در رشته‌ای با استمرار فعالیت و کار
در آن رشته به‌دست می‌آید. با این ترتیب، دانش و
تجربه و تخصص در ذات یک فرد وجود دارد و
قابل اعطا از سوی فرد دیگر نیست و در نتیجه، این
امتیازات قابل سلب از شخصی توسط شخص دیگر -
اعم از حقیقی یا حقوقی - نمی‌تواند باشد. مضافاً این
که، هیچ قدرتی قادر نیست مراتب علمی و دانش و
تجربه شخصی را از ذات و وجود یک فرد خارج کند و
این امتیازات با مرگ دارنده آن از بین می‌رود، لکن
نتیجه تحقیقات و تتبعات و اختراعات و نوشته‌ها و
آثار مکتوب او در جامعه می‌ماند. با این توضیح، وقتی
که بانک مرکزی صلاحیت نامزد مدیریت را تایید کرد
که در واقع، این صلاحیت، همانا داشتن دانش و تجربه
است، سلب این صلاحیت در امور بانکی، از عهده او
خارج است. این اجازه را نه قانون پولی و بانکی و نه
اساسنامه بانک و نه قوانین مصوب سال ۱۳۷۹ به
بانک مرکزی داده است.

البته ضرورت وجود سازمانی را برای تایید
صلاحیت مدیران نمی‌توان نفی نمود، اما وقتی که
صلاحیت - آن هم صلاحیت علمی و تجربی - تایید
شد، دیگر سلب آن توسط همان سازمان عملی نیست.
ضمناً دادن مجوز قانونی هم متضمن ایراد و اشکال
به‌نظر می‌رسد.

برای تکمیل موضوع، بی‌مناسبت نیست که به
بند ۷ الحاقیه به اساسنامه بانک پارسیان نیز اشاره
شود. در این بند آمده است که اعضای اصلی و
علی‌البدل هیات‌مدیره، مدیرعامل و قائم‌مقام
مدیرعامل بانک، باید دارای صلاحیت‌های تخصصی
به "تشخیص" بانک مرکزی و شرایط ذیل باشند که
عبارتند از عدم سوء پیشینه، دارا بودن حداقل مدرک
کارشناسی برای مدیرعامل و قائم‌مقام مدیرعامل و
اعضای هیات‌مدیره... دارا بودن بیش از پنج سال
سابقه در امور مدیریت بانک و بازار پول و سرمایه
برای اکثریت اعضای هیات‌مدیره و همچنین برای
مدیرعامل و قائم‌مقام وی.

هیات‌مدیره هم در صورت دارا بودن سایر شرایط،
می‌تواند از این شرط معاف باشد. همچنین دارا بودن
بیش از پنج سال سابقه در امور مدیریت بانکی یا بازار
پول و سرمایه برای مدیرعامل و قائم‌مقام وی و
اکثریت اعضای هیات‌مدیره الزامی است. علاوه بر
این، در مقدمه گفته شد که هم به موجب ماده ۹۸
قانون برنامه سوم توسعه و هم قانون تشکیل
بانک‌های خصوصی (غیردولتی)، داشتن تجربه و
دانش لازم شرط شده است.

در جمع‌بندی، این نتیجه حاصل می‌شود که از
لحاظ علمی به حکم اساسنامه بانک، مدیرعامل و
قائم‌مقام و اعضای هیات‌مدیره می‌بایست حداقل،
مدرک کارشناسی داشته باشند و به حکم دو قانون
ذکرشده در بالا، دارای دانش کار باشند. اما مدیرعامل
بانک، فارغ‌التحصیل مقطع فوق‌لیسانس حسابداری
از دانشکده نفت در سال ۱۳۵۶ می‌باشد و رییس
هیات‌مدیره هم بورسیه بانک مرکزی، حسابدار خبره
از انگلستان و دارای مدرک فوق‌لیسانس مالی است.
پس دانش دو نفر مورد بحث از نظر مواد قانونی و
دارا بودن مدرک تحصیلی لازم و کافی، مشخص شد.
درباره مساله تجربه هم که در دو فقره قانون ذکرشده
آمده است، وضعیت هرکدام به شرح زیر است:

وضعیت مدیرعامل، آقای عبدالله طالبی:

حسابدار شرکت نفت از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ هجری
شمسی - حسابدار رییس حسابداری سازمان گسترش
و نوسازی صنایع ایران از ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۹ - معاون
دانشگاه علامه طباطبایی (مجمع دانشگاهی علوم
اداری و بازرگانی) از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ - مدیرعامل
سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از ۱۳۶۱ تا
۱۳۶۳ - عضو هیات‌مدیره بانک ملت از ۱۳۶۳ تا
۱۳۶۶ - معاون سازمان برنامه و بودجه از ۱۳۶۶ تا
۱۳۶۸ - مدیرعامل شرکت خدمات مالی و مشاوره‌ای
سازمان گسترش از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ - معاون وزیر نیرو
از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ - مدیرعامل شرکت گسترش
سرمایه‌گذاری ایران خودرو از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ -
مدیرعامل و عضو هیات‌مدیره بانک پارسیان از
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ هجری شمسی.

اما وضعیت رییس هیات‌مدیره، آقای بهرام

فتحعلی: کارشناس، مدیر، عضو هیات‌عامل و معاون
سرمایه‌گذاری بانک توسعه کشاورزی از ۱۳۵۰ تا
۱۳۵۸ هجری شمسی - عضو هیات‌مدیره بانک
ادغام‌شده کشاورزی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ - مدیرعامل

در تبصره ۱ ماده ۲۵ اساسنامه و در بند ۷ الحاقیه
نیز در مورد موضوع "تخصص" دو کلمه متفاوت از هم
به کاررفته است. چه صلاحیت تخصصی را بانک
مرکزی "تایید" کند، چه صلاحیت را بانک مرکزی
"تشخیص" دهد، در هر دو حالت، پس‌گرفتن "تایید" یا
"تشخیص" جزو اختیارات بانک مرکزی به‌نظر
نمی‌رسد، تازه با توجه به استدلالی که شد، اگر این دو
صفت قابل سلب باشند، چنین اختیاری در قانون پولی
و بانکی پیش‌بینی نشده است.

یک رخداد دیگر هم قابل اشاره می‌تواند باشد،
به این معنی که ماده ۲۶ اساسنامه، تجدیدانتخاب
اعضای هیات‌مدیره، مدیرعامل و قائم‌مقام مدیرعامل
بانک را منوط به تایید قبلی بانک مرکزی جمهوری
اسلامی ایران نموده است. وقتی که تجدیدانتخاب
یکی از نامبردگان مطرح می‌شود و مورد تایید قرار
نمی‌گیرد، فقط به عدم تایید به جهت عملکرد شخص
موصوف به لحاظ عدم رعایت دقیق مقررات و مدیریت
نامطلوب و غیره اکتفا شده و سلب صلاحیت رخ نمی‌دهد.

عزل مدیرعامل

برطبق بند ۲۵ ماده ۳۳ اساسنامه بانک، انتخاب
و یا عزل مدیرعامل و تعیین حدود اختیارات وی، جزو
اختیارات هیات‌مدیره بانک می‌باشد. با توجه به این
که بانک‌ها نیز به موجب قانون پولی و بانکی کشور،
می‌بایست به صورت شرکت سهامی عام تشکیل
شوند، ماده ۱۲۴ قانون تجارت مقرر داشته است که
انتخاب مدیرعامل، با هیات‌مدیره است و تبصره
همان ماده می‌گوید: «هیات‌مدیره در هر موقع می‌تواند
مدیرعامل را عزل نماید.» در این باره، هماهنگی بین
اساسنامه بانک و قانون تجارت وجود دارد. در واقع، با
توجه به صراحت اساسنامه، عزل مدیرعامل در
صلاحیت هیات‌مدیره بانک بوده نه بانک مرکزی که
از عنوان "سلب صلاحیت" استفاده شده و مدیرعامل
بانک برکنار شده است تا جایی که در اجرای تبصره
ماده ۳۴ اساسنامه بانک، حتی اقدام به معرفی فرد
دیگری شده است. ■

زیرنویس

(۱) منظور هژبر یزدانی است. خوانندگان محترم برای
شناخت بیشتر به کتاب "هژبر یزدانی به روایت ساواک" ناشر
مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - چاپ اول -
زمستان ۱۳۸۴ مراجعه فرمایند.

اگر بافتنیه پلانکنان یا ریسانئون همولانوی للظالی و
یا توجه به صراحت اسامینامه
خرا یدین نهمه هاین بنگنی بصلو صخا لیر کنلوی
عزل مدیر عامل در صلاحیت هیات مدیره
است. یو یانک رسدگی بنگنی فالون، موصوع در
بانک بوده نه بانک مرکزی.
هیات انتظامی بانک رسدگی می شد، و
هرگاه خارج از آنها بوده، اداره نظارت بر
بانک های بانک مرکزی صلاحیت رسیدگی
به چنین تخلفاتی را نداشته است.

